

اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در خاورمیانه

خلیل اله سردارنیا^۱

(تاریخ دریافت: ۱۰/۱۲/۹۴ - تاریخ تصویب: ۰۱/۰۳/۹۵)

چکیده

«انقلاب خاموش» اصطلاحی است که در ارتباط با تغییر و تحولات تدریجی در عرصه فکری - نگرشی و باورهای سیاسی به کار رفته است، این انقلاب می‌تواند منجر به کنش‌های سیاسی اعتراضی و انقلاب سیاسی و اجتماعی گردد. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل تاثیر اینترنت بر شکل‌گیری انقلاب خاموش ارزشی - نگرشی و وقوع بهار عربی در چارچوب نظریه رونالد اینگلهارت است. پرسش پژوهش آن است که: مهم‌ترین عامل موثر بر بروز انقلاب خاموش در جوانان شهری و تحصیلکردگان خاورمیانه عربی در دو دهه اخیر چه بوده است؟ پیامد چنین انقلابی، در ساحت رفتاری یا کنشی چه بوده است؟ فرضیه تحقیق: بدون آن‌که تاثیر تحول در نظام آموزشی نادیده گرفته شود، باید گفت که از نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ به این سو، افزایش دسترسی و استفاده از اینترنت منجر به شکل‌گیری انقلاب خاموش در ساحت ارزشی - نگرشی و فکری و در ساحت رفتاری به تشدید کنش‌های اعتراضی در فضای سایبری و غیر سایبری و بهار عربی شد. روش تحقیق از نوع تبیینی - علی و تحلیلی است. با استفاده از داده‌های پیمایش‌های ارزشی و نگرشی انجام شده توسط مراکز پژوهشی

۲ فصلنامه دولت پژوهی

منطقه‌ای و مطالعات کمی انجام شده، در این پژوهش این نتیجه حاصل شد که اینترنت در بیش از یک دهه اخیر تا حد زیادی بر سپهر نگرشی و ارزشی و نیز سپهر رفتاری جوانان شهری و تحصیلکردگان تاثیر گذار بوده است؛ اما این نتیجه در مورد توده‌های بی‌سواد و کم‌سواد تایید نمی‌گردد لذا در تحلیل تاثیر اینترنت، متغیر نظام آموزشی متحول به‌عنوان متغیر زمینه‌ای - که مفروض گرفته شده - را نمی‌توان نادیده گرفت.

کلیدواژه‌ها: خاورمیانه، انقلاب خاموش، تغییر نگرشی - فکری، بهار عربی



مقدمه

اصطلاح و نظریه «انقلاب خاموش»، برای نخستین بار توسط رونالد اینگلهارت در سال ۱۹۷۷ در ارتباط با تحول فرهنگی و ارزشی در جوامع پیشرفته غربی به کار برده شد. اینگلهارت در مطالعات خود به این نتیجه می‌رسد که نسل جدید جوانان در جوامع پیشرفته صنعتی غرب در بستر رفاه و توسعه اقتصادی، تحولات در عرصه ارتباطی - رسانه‌ای و آموزشی در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، به تدریج به سمت ارزش‌ها و فرهنگ پسامادی‌گرایانه مانند آزادی‌های مدنی و سیاسی، دموکراسی خواهی، کیفیت بهتر زندگی و محیط زیست سالم، لزوم احترام به حقوق بشر و کرامت انسانی و از این قبیل سوق یافته و از ارزش‌های مادی، امنیتی و طبقاتی پیشین فاصله گرفته‌اند. وی در ارتباط با تحول فرهنگی - ارزشی نسل جدید جوانان عمدتاً شهری از اصطلاح انقلاب خاموش استفاده کرد.

از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به این سو، تغییر و تحولات فزاینده‌ای در عرصه‌های شهرنشینی، آموزشی و ارتباطی در خاورمیانه عربی روی داده‌اند، این تحولات منجر به شکاف نسلی بین نسل جدید جوانان با نسل‌های پیشین، افزایش آگاهی سیاسی - اجتماعی و تحول فکری و نگرشی شده‌اند که می‌توان از آن به «انقلاب خاموش» یاد کرد. از نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ به این سو، با گسترش دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و استمرار نوسازی و تحولات در عرصه‌های شهرنشینی، آموزشی و ارتباطی، انقلاب خاموش ارزشی و نگرشی، آهنگ نسبتاً سریع‌تر به خود گرفته است. شواهد و پیمایش‌های ارزشی - نگرشی جهانی و منطقه‌ای انجام شده، تایید کننده وقوع انقلاب خاموش در فضای ارزشی و نگرشی در اقصای شهری و تحصیل‌کرده‌تر شهری جهان عرب است؛ اما در مورد



اقتدار روستایی و اقتدار بی سواد و کمتر تحصیلکرده، تایید نمی شود. مهم ترین پیامد سیاسی چنین انقلاب خاموش، وقوع انقلابات و جنبش های اخیر در شمال آفریقا و برخی کشورهای خاورمیانه عربی بود.

نگارنده در این تحقیق به دنبال پاسخ به این مسئله است که آیا واقعا پدیده ای به نام «انقلاب خاموش» در جهان عرب رخ داده است و اینکه این تحول در ارتباط با کدام اقتدار جمعیتی رخ داده است؟ چه ارتباطی بین اینترنت و انقلاب خاموش در جهان عرب وجود دارد؟ و چگونه می توان این ارتباط را برقرار کرد؟

در این تحقیق، نگارنده با روش تحقیق از تبیینی - تحلیلی با رویکرد جامعه شناختی سیاسی در صدد ارائه پاسخ تحلیلی به این پرسش اساسی است: مهم ترین عوامل موثر بر بروز انقلاب خاموش جوانان شهری و تحصیلکردگان در خاورمیانه عربی در دو دهه اخیر چه بوده اند؟ پیامد چنین انقلابی، در ساحت رفتاری یا کنشی چه بوده است؟ فرضیه تحقیق عبارتست از اینکه انقلاب خاموش ارزشی - نگرشی و آگاهی جوانان شهری و تحصیلکردگان دانشگاهی و نیز دبیرستانی در بخش قابل توجهی از جهان عرب، ریشه در گسترش دانشگاه ها و افزایش دسترسی به فناوری های نوین ارتباطی - اطلاعاتی و تلویزیون های ماهواره ای در دو دهه اخیر دارد. در ساحت پراتیکی - رفتاری، چنین انقلابی منجر به فعالیت و اعتراضات سیاسی جوانان شهری و تحصیلکردگان در فضای سایبری از سال ۲۰۰۸ به این سو شد که اوج آن، بهار عربی یا انقلابات اخیر بود.

اما از حیث پیشینه تاریخی، بایستی خاطر نشان ساخت که با جستجو در منابع فارسی، هیچ منبع مستقیم در این ارتباط دیده نشد. اما در منابع انگلیسی،



اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در... ۵

برخی مطالعات - البته به شکل غیر مستقیم - در ارتباط با تاثیر اینترنت بر فرهنگ سیاسی و نگرش های جوانان و تحصیلکرده های جهان عرب و نیز رفتار سیاسی آنان انجام شده است اما به خاطر استفاده از نتایج آنها در این تحقیق و به خاطر پرهیز از طولانی شدن نوشتار، صرفا به فهرست عناوین آنها بسنده می شود؛ این عناوین عبارتند از: (۱) تاثیر اینترنت بر فرهنگ سیاسی دانشجویان روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای در کشور اردن (Abed, 2005) (۲) رندل کوهن در تز دکتری خود با عنوان «نقش توسعه انسانی در بهار عربی»، تاثیر شاخص هایی هم چون سطح سواد و تحصیلات و مصرف رسانه ای را بر توانمندی و بسیج سیاسی افراد و اعتراضات سیاسی را بررسی کرده است. (Kuhn, 2011) (۳) مطالعه پیمایشی الکترونیکی مدرسه عالی محمد بن راشد^۱ در ارتباط با ۳۰۰۰ پرسش شونده جوان و بزرگسال ۱۵ تا ۳۴ سال در مارچ و آوریل ۲۰۱۴ در تعدادی از کشورهای جهان عرب (Arab Social Media Report, 2014). (۴) الکندری و حسنن در یک کار پیمایشی مشترک بر روی ۴۴۵ دانشجوی مصری و کویتی، تاثیر اینترنت بر نگرش های سیاسی دانشجویان را مورد مطالعه قرار داده اند. (Al. Kandari & Hasanen, 2012) و برخی منابع دیگر.

در مجموع به چند دلیل، انجام این تحقیق از ضرورت و نوآوری بالایی برخوردار بود: (۱) نبود اثر مستقیم فارسی و حتی انگلیسی با این عنوان در ارتباط با جهان عرب (۲) کاربست نظریه انقلاب خاموش در ارتباط با محیط جغرافیایی جدید (۳) استفاده از داده های پیمایشی آماری انجام شده در ارتباط



با دگردیسی ارزشی و نگرشی در جهان عرب برای تایید فرضیه یا تایید رابطه بین متغیر مستقل و وابسته تحقیق (۴) برقراری ارتباط تحلیلی بین انقلاب خاموش ارزشی و نگرشی در منطقه با جنبش‌های اجتماعی اخیر در منطقه.

الف) تبیین مفهومی - نظری نظریه انقلاب خاموش^۱

«انقلاب خاموش» اصطلاحی است که در ارتباط با تغییر و دگردیسی ماهوی و بنیادی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و فرهنگ سیاسی - اجتماعی به کار رفته است، طبعاً چنین انقلابی منجر به تغییر در ساحت رفتاری و کنش‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود. از آنجا که تحول در سطح ارزشی و نگرشی به صورت ناملموس، کند و زمان‌بر صورت می‌گیرد لذا از عنوان یا پسوند «خاموش» استفاده شده است.

نظریه انقلاب خاموش برای نخستین بار توسط رونالد اینگلهارت در کتابی با عنوان «انقلاب خاموش: تغییر ارزش‌ها و سبک‌های سیاسی در جوامع غربی»^۲ به کار برده شد. وی این اصطلاح را در ارتباط با تغییر و دگردیسی در سپهر فرهنگی و ارزشی - نگرشی یا فرهنگ سیاسی در میان نسل جدید جوانان غرب به کار برد که طبعاً چنین انقلاب بر تغییر ماهیت، نوع و سبک فعالیت و مشارکت سیاسی جوانان تاثیر جدی می‌گذارد. نظریه انقلاب خاموش در ذیل نظریه نوسازی یا مدرنیزاسیون، موضوعیت می‌یابد، این نظریه در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ مطرح و بر ادبیات توسعه سیاسی چیره گشت. در این رویکرد، باور بر آن است که هر چه سطح سواد، آموزش، ارتباطات



۱. The Silent Revolution

۲. The Silent Revolution: Changing Values and Political Styles among Western Publics

اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در... ۷

اجتماعی، رسانه‌های جمعی، درآمد، رفاه، شهرنشینی، صنعتی‌شدن و غیره بالاتر رود، از یک‌سو، طبقات میانی یا متوسط - که بهترین پشتیبان دموکراسی هستند - به‌لحاظ کمی و کیفی رشد می‌یابند و از سوی دیگر، بیشتر اقشار و افراد جامعه، آگاه‌تر شده و از ارزش‌ها و نگرش‌های نوین و دموکراتیک برخوردار می‌گردند. (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۵۵-۵۴) لرنر از نخستین نظریه‌پردازان در این رویکرد، بر این باور است تحول در نظام آموزشی و رسانه‌ای یا ارتباطات جمعی در اشاعه افکار، اندیشه‌ها و نگرش‌های نوین، بسیار موثر هستند که پیامد مهم دگردیسی نگرشی و فکری، شکل‌گیری انسان مدرن با فرهنگ مدنی در تمایز با انسان سنتی است. (Larner, 1958, 54-55).

اینگلهارت در اثر برجسته خود با عنوان «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی»، در یک رویکرد سه سطحی: سطوح سیستمی، خرد یا فردی و پیامدها یا خروجی، یک فرض کلی را طرح می‌کند. بر این اساس، دگرگونی در سطح سیستمی مانند توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی، توسعه ارتباطات جمعی و رسانه‌ها و تحول در نظام آموزشی منجر به دگردیسی فکری، نگرشی و فرهنگی و مهارتی در سطح فردی یا خرد می‌گردد، طبعا تغییر و تحول در دو سطح کلان و خرد یاد شده به دگرگونی در شالوده‌های سیاسی و اجتماعی جامعه مانند نوع و ماهیت نظام سیاسی، رقابت‌ها و آرایش‌های حزبی و گروهی و ماهیت ارتباطات اجتماعی می‌انجامد. از دید وی، فرهنگ سیاسی و نگرش‌ها در پاسخ به دگرگونی‌های محیطی، تغییر و تحول می‌یابد و به‌نوبه خود بر محیط نیز تاثیر می‌گذارد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۸-۷).

اینگلهارت، تحول در فرهنگ سیاسی یا انقلاب خاموش را از یک‌سو، پیامد



۸ فصلنامه دولت پژوهی

تحولات تکنولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی (رسانه‌ای و آموزشی) می‌داند و از سوی دیگر، این انقلاب را (که به صورت تدریجی و چراغ خاموش حرکت می‌کند) در حد فاصل این تحولات و توسعه سیاسی و متغیر مقدم مستقل و گریزناپذیر یا بسترساز مهم گذار و تحکیم دموکراسی می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۸). از دید وی، این دگرگونی به یکباره روی نمی‌دهد بلکه تدریجی است اما در عین حال، این انقلاب زمانی روی می‌دهد که دگرگونی‌های روی داده در محیط فناوری‌های صنعتی و رسانه‌ای و آموزشی به حد کافی، بزرگ و موفقیت‌آمیز باشند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۰).

اینگلهارت نیز بر این اعتقاد است که از اواخر دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۷۰ به این سو، به دنبال توسعه اقتصادی و نوسازی موفق روی داده در جوامع غربی، نوعی شکاف نسلی و دگردیسی فکری و نگرشی یا فرهنگ سیاسی روی داده است، به این معنی که نسل جدید جوانان در تمایز با نسل‌های مسن‌تر، عمدتاً به ارزش‌های فرامادی^۱ مانند لزوم احترام و التزام به آزادی‌های سیاسی - اجتماعی، کرامت انسانی، مشارکت، عدالت، تساهل، صلح و همزیستی گرایش و سوگیری داشته و از ارزش‌های مادی فاصله گرفته‌اند، در حالی که نسل‌های پیشین، عمدتاً به ارزش‌های مادی^۲ مانند رفاه و امنیت اقتصادی و شغلی گرایش داشته‌اند. در این دگردیسی فرهنگ سیاسی یا نگرشی، اینگلهارت بر متغیرهای مهمی هم‌چون گسترش سطح رفاه و توسعه (که سبب رفع دغدغه‌های اقتصادی و امنیت شغلی می‌شود) و تحول در نظام آموزشی و نظام رسانه‌ای، تاکید و تمرکز دارد (Ingelhart, 1988, 1219).



۱. Post-Material Values

۲. Material Values

تحولات محیطی روی داده و انقلاب خاموش به شکل‌گیری و نهادینه شدن فرهنگ مدنی، گسترش اعتماد و حمایت از دگرگونی‌های بنیادی دموکراتیک می‌انجامد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۹-۴۸). وی گرچه تحولات اقتصادی و محیطی در عرصه‌ای آموزشی و رسانه‌ای را بسترساز دگردیسی فرهنگی و نگرشی می‌داند اما معتقد است که توسعه اقتصادی و اجتماعی به صورت اتوماتیک یا خودبه‌خود به تحکیم دموکراسی نمی‌انجامد؛ لذا نقش کنشگران مدنی، سیاسی و شهروندان در اتصال و ارتباط مستمر با فرهنگ و باورها یا نگرش‌های مدنی، بسیار اهمیت می‌یابد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۷).

اینگلهارت و کریستین ولزل در کتاب مشترک با عنوان «نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی»، فرضیه و باور پیشین خود را تکرار می‌کنند و بر این باورند که نسل جدید جوان بیشتر از نسل‌های پیشین به ارزش‌ها و باورهایی هم‌چون ابراز وجود، آزادی، تساهل به اقلیت‌ها، کیفیت زندگی، توجه به تفاوت‌ها در تصمیمگیری‌ها و عدم استبداد اکثریت بر اقلیت، اعتماد و اختلاف سلیقه‌ها متمایل هستند. در سایه چنین دگردیسی و انقلاب خاموش ارزشی و نگرشی است که نسل جدید عمدتاً به احزاب غیر طبقاتی و غیر ایدئولوژیک مانند سبزها رای می‌دهند (اینگلهارت؛ ولزل، ۱۳۸۹: ۱۶). با این وجود با کمی سویه متفاوت و عمدتاً به‌خاطر ناکامی تجربه نوسازی غرب‌گرایانه در شرق و جهان اسلام، به این باور می‌رسند که نوسازی لزوماً به معنی سکولار و غربی شدن نیست. بنابراین، آن دو بر این باورند که گرچه نوسازی در ابعاد اقتصادی، رسانه‌ای و آموزشی به تغییر فرهنگی می‌انجامد، اما نمی‌توان متغیر سنت در مانع تراشی یا تعدیل پیامدهای فرهنگی و ارزشی - نگرشی در جهان اسلام و شرق را نادیده گرفت. نظام ارزشی و کم‌وکیف آن بازتاب تعامل میان نیروها



یا متغیرهای نوسازی و تداوم تاثیر سنت است، کما اینکه پیمایش‌های ارزشی جهانی به‌ویژه در جهان عرب و اسلام حاکی از تاثیر نوسازی در عرصه‌های تکنولوژیکی اطلاعاتی و ارتباطی و آموزشی و جهان‌بینی دینی بر ارزش‌ها و باورهای افراد به‌ویژه جوانان هستند (اینگلهارت؛ وزل، ۱۳۸۹: ۱۴). گرچه نوسازی در ابعاد یاد شده بر تغییر و انقلاب ارزشی و نگرشی تاثیر درازمدتی دارد، اما نباید نقش و تاثیر ماندگار میراث‌های ریشه‌دار تاریخی و دینی یا سنت‌ها را نادیده گرفت (اینگلهارت؛ وزل، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

نکته جالب آن‌که، این دو پژوهشگر با عنایت به نتایج پیمایش‌های ارزشی - نگرشی در شرق و جهان عرب به این باور رسیده‌اند که در این کشورها نوعی انقلاب خاموش ارزشی و نگرشی روی داده اما حکومت‌های اقتدارگرا با سازوکارهای سرکوبگر امنیتی و پلیسی از کنش‌های متمایل به دموکراسی‌خواهی جلوگیری می‌کنند اما این نوع واکنش‌های ضد دموکراتیک در آینده بسیار پر هزینه بوده و دموکراسی‌گریزناپذیر است (اینگلهارت؛ وزل، ۱۳۸۹: ۱۹) لازم به ذکر است که نگارش این کتاب سال‌ها پیش از وقوع بهار عربی صورت گرفته بود.

در مجموع، از دید آن دو، مردم و جوانان در غرب و شرق و جهان اسلام به تاثیر از اجتماعی شدن یا فرآیند جامعه‌پذیری و باز جامعه‌پذیری از طریق نظام آموزشی، رسانه‌ها، ارتباطات جمعی و بین فردی و نیز نظام ارزشی موجود، اما با کم‌وکیف و تجربه متفاوت در کنار اشتراکات، از انقلاب یا دگردیسی ارزشی و نگرشی برخوردار می‌شوند. گرچه نوسازی دارای تاثیرات بلندمدت بر باورها و ارزش‌ها و ایجاد‌کننده انقلاب خاموش ارزشی و نگرشی است؛ اما نمی‌توان گفت که گسترش فناوری‌های رسانه‌ای، شهرنشینی و نظام آموزشی لزوماً به



عقب‌نشینی دین و سکولاریسم می‌انجامد.

از دید آن دو، چنین انقلاب خاموش ارزشی، نگرشی و تحول فرهنگ سیاسی در ساحت عملی و پراتیکی منجر به دگردیسی و تغییر در ماهیت رفتار سیاسی و مشارکتی یا انتخاباتی افراد از احزاب طبقاتی و ابزارگونگی منفعت‌طلبانه به سمت احزاب فراگیر غیرایدئولوژیک با تمرکز بر ارزش‌های فرامادی مانند کیفیت زندگی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، ابراز وجود، توجه و احترام به تفاوت‌ها و غیریت‌ها، محیط زیست سالم و خلع سلاح شده است (اینگلهارت؛ ولزل، ۱۳۸۹: ۱۴۹) گروه‌های سنی جوان‌تر در غرب از دگردیسی ارزشی، شناختی و مهارت‌های ارتباطی و مدنی و نیز رشد سیاسی بالاتری از مسن‌ترها در چند دهه اخیر برخوردار شده‌اند؛ لذا علاقه‌مندی بیشتری به مشارکت سیاسی به‌ویژه در اشکال نامتعارف غیر حزبی در فضای واقعی و سایبری دارند (اینگلهارت؛ ولزل، ۱۳۸۹: ۱۶۴). گرچه مشارکت در اشکال متعارف حزبی و تا حدی از طریق نهادهای صنفی و مدنی در غرب کاهش یافته، اما انقلاب ارزشی و نگرشی در کنار تجهیز شناختی و مهارت‌های مدنی جوانان سبب گسترش مشارکت جوانان در اشکال غیرمتعارف و اعتراضات سیاسی در فضای سایبری و غیر سایبری شده است (اینگلهارت؛ ولزل، ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۶۸).

ب) کاربست نظریه در مورد جهان عرب

از جهت کاربست نظریه انقلاب خاموش در جهان عرب، گرچه این نظریه در مورد تاثیر توسعه اقتصادی و تحول در شاخص‌های اجتماعی مانند شهرنشینی، رسانه‌ای و آموزشی بر دگردیسی فرهنگی و نگرشی نسل جدید جوانان در اروپای غربی از دهه ۱۹۷۰ به این سو مطرح شد، با این وجود به چند دلیل، این نظریه می‌تواند در مورد خاورمیانه عربی از اواخر دهه ۱۹۹۰ به‌ویژه از سال



۲۰۰۵ به این سو به کار رود. ۱) به لحاظ روشی به ویژه در عصر جدید، باور بر آن است که کاربردپذیری یک نظریه لزوماً به معنی همه اجزای نظریه نیست و خاستگاه مکانی یک نظریه نمی‌تواند مانع از کاربست آن در ظرف‌های مکانی دیگر شود. در این راستا، گرچه کشورهای عربی هرگز در سطح توسعه اقتصادی غرب نیستند، اما لزوماً نمی‌توان توسعه را به اقتصاد محدود کرد و ابعاد تکنولوژیکی در عرصه فناوری‌های رسانه‌ای و ارتباطی - اطلاعاتی و نظام آموزشی را نادیده گرفت. از زاویه نظام آموزشی و اینترنت و ماهواره‌ها، تعداد قابل توجهی از کشورهای عربی دارای پیشرفت‌های چشمگیری بوده‌اند. ۲) اینگلهارت در آثار متأخر خود با عنایت به تجربه کشورهای شرقی، جهان عرب و نتایج پیمایش‌های ارزشی، به این نتیجه‌گیری مهم می‌رسد که آمیزه‌ای از نوسازی و نیز سنت‌ها و آموزه‌های دینی بر کم‌وکیف نظام ارزشی، تغییر و دگردیسی باورها و نگرش‌های سیاسی تاثیر می‌گذارند و لزوماً سکولاریسم، نتیجه نوسازی نخواهد بود. ۳) یافته‌های پیمایشی منطقه‌ای و جهانی اخیر حاکی از دگردیسی فرهنگی و نگرشی یا وقوع رگه‌های قابل توجهی از انقلاب خاموش ارزشی در جوانان شهری و تحصیلکردگان و نه توده عادی مردم در جهان عرب و تاثیر این انقلاب بر مشارکت و اعتراض سیاسی در فضای سایبری از ۲۰۰۸ به این سو بوده‌اند که اوج آن، بهار عربی بود.

در مجموع، نظریه انقلاب ساکت یا خاموش اینگلهارت، می‌تواند دستمایه پژوهشگران در مناطق دیگر جهان برای پیمایش‌های ارزشی و نگرشی (Mus, 2006, 123) و پرداختن به بسترهای متحول اجتماعی - ارزشی تاثیرگذار بر رفتارها و کنش‌های سیاسی غیر طبقاتی در طیف‌های زیست محیطی، حقوق بشری، هویت بنیاد، جامعه بنیاد، غیریت بنیاد، اقلیت بنیاد و



اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در... ۱۳

کنش‌های غیر متعارف به‌ویژه در فضای سایبری در بین گروه‌های دارای علائق و باورها یا نگرش‌های ارزشی و دغدغه‌های مشترک باشد.

ج) شمای کلی از نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا

در سال ۱۹۹۵، یک درصد از جمعیت جهان، کاربر اینترنت بودند، در سال ۲۰۱۴، تعداد کاربران به ۳ میلیارد نفر یعنی ۴۰ درصد از جمعیت جهان افزایش یافتند. در سال ۲۰۱۴، خاورمیانه عربی با کمتر از ۳/۳ درصد از جمعیت جهان از حیث نفوذ اینترنت دارای میانگین ۳۷ درصدی یعنی نزدیک به دو برابر متوسط جهانی آن (۲۰ درصد) بود. در نوامبر سال ۲۰۱۵، خاورمیانه (بدون احتساب شمال آفریقا) دارای ۱۲۳ میلیون کاربر اینترنت با میزان نفوذ ۴۷ درصدی بود (Internet world stats, 2015). از زاویه شبکه‌های اجتماعی، تعداد کل کاربران فیس‌بوک در جهان عرب در ژوئن ۲۰۱۰، ۱۶ میلیون و در ژوئن ۲۰۱۱، ۲۹ میلیون نفر بود که در پایان ژوئن ۲۰۱۲ به بیش از ۴۵ میلیون نفر با رشد سه برابری رسید. ۳۴ درصد کاربران را زنان تشکیل می‌دهند که عمدتاً زنان جوان و تحصیلکرده تشکیل هستند. مصر حدود یک چهارم کاربران فیس‌بوکی در جهان عرب را به‌خود اختصاص داده است (Kinninmoot, 2013, 6). در نوامبر سال ۲۰۱۵، تعداد کاربران فیس‌بوک به ۴۹ میلیون نفر افزایش یافت (Internet world stats, 2015). با توجه به داده‌های جداول ذیل، می‌توان دریافت که تعداد کاربران اینترنت و فیس‌بوک از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵، در بیشتر کشورها تا دو یا سه برابر افزایش یافته است (ر.ک به جداول زیر).

در حدود ۷۰ درصد کاربران اینترنت را قشر جوان در حد فاصله سنی ۱۵ تا



۲۹ ساله تشکیل و زنان یک سوم از تعداد کاربران اینترنتی را به خود اختصاص می‌دهند (Kinninmoot, 2013, 3). در این بین، جوانان تحصیلکرده شهری و دانشگاهی، سهم بسیار بالایی در استفاده از رسانه‌های جدید داشته‌اند. جمعیت جوان و شهرنشینی در جهان عرب، رشد تصاعدی داشته است. در سال ۲۰۱۴، ۷۲ درصد از جمعیت خاورمیانه و شمال آفریقا شهری و ۲۸ درصد روستایی بودند. ۶۰ درصد از جمعیت منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را جوانان یعنی افراد زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند که این رقم معادل دو برابر منطقه آمریکای شمالی است، در این منطقه، ۳۰ درصد جمعیت را افراد بین ۱۴ تا ۲۴ درصد تشکیل می‌دهند (Hoffman & Jamal, 2012, 169). با عنایت به رشد بی‌رویه جمعیت جوان، بیکاری در این منطقه در مقایسه با مناطق دیگر، چهار برابر است و این منطقه بالاترین درصد یا نرخ بیکاری را در جهان دارد که از سال ۱۹۹۶ به این سو شدت یافته است. تخمین زده می‌شود هر ساله ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت بیکار اضافه گردد (Hoffman & Jamal, 2012, 170).

جدول ۱. کاربران اینترنت و فیس‌بوک در خاورمیانه و شمال آفریقا به

تفکیک سال‌ها

درصد نفوذ فیس‌بوک		درصد نفوذ اینترنت			کشور
۲۰۱۵	۲۰۱۲	۲۰۱۵	۲۰۱۲	۲۰۰۹	
۴۷/۵	۳۳/۷	۷۸/۷	۷۴/۲	۳۶/۹	کویت
۵۲/۰	۳۳/۱	۹۶/۰	۷۷/۰	۵۳/۵	بحرین
۷۷/۵	۳۴/۴	۹۱/۹	۸۶/۲	۴۰/۰	قطر
۴۳/۲	۲۲/۱	۶۵/۹	۴۹/۰	۳۸/۰	عربستان
۶۶/۷	۴۱/۷	۹۳/۲	۷۵/۹	۷۵/۰	امارات متحده
۶/۴	-	۲۲/۶	۱۴/۹	۱۰/۰	یمن

درصد نفوذ فیس بوک		درصد نفوذ اینترنت			کشور
۳۶/۰	۱۸/۹	۷۸/۶	۶۸/۰	۵۱/۵	عمان
۳۳/۰	۸/۲	۳۳/۰	۸/۲	۱/۱	عراق
۶۴/۶	۳۶/۹	۶۴/۶	۵۷/۷	۳۲/۲	فلسطین
-	-	۲۸/۱	۲۲/۵	۲۰/۴	سوریه
۶۲/۶	۳۱/۳	۸۰/۴	۵۲/۰	۲۳/۷	لبنان
۶۱/۹	۳۹/۳	۸۶/۱	۳۹/۳	۲۶/۰	اردن
۳۰/۵	۱۴/۵	۵۴/۶	۳۵/۶	۲۴/۳	مصر
۳۷/۴	۱۳/۹	۳۷/۴	۱۷/۰	۵/۵	لیبی
۴۷/۱	۳۱/۰	۴۹/۰	۳۹/۱	۳۴/۱	تونس
۳۰/۰	۱۵/۸	۶۰/۶	۵۱/۰	۴۱/۳	مراکش
۲۷/۸	۱۱/۰	۲۷/۸	۱۴/۰	۱۳/۵	الجزایر

www.internetworldstatas.com

د) تحول ارزشی - نگرشی (انقلاب خاموش) در خاورمیانه و شمال آفریقا

از زمان ورود اینترنت به خاورمیانه و شمال آفریقا در اواخر دهه ۱۹۹۰ تا نیمه نخست دهه ۲۰۰۰ (۲۰۰۵)، میزان استفاده و دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، بسیار محدود بود لذا با یک رویکرد واقع بینانه، بایستی گفت که در این مقطع زمانی این فناوری بر سپهر نگرشی - فکری و کنشگری در جهان عرب، تاثیر چندانی نداشته است. در همین رابطه می‌توان به نتیجه یک تحقیق اشاره کرد. میخائیل بست و کیگان وید در یک مطالعه کمی و تطبیقی، تاثیر اینترنت بر تمایلات فکری - نگرشی و سطح دموکراسی در مناطق گوناگون جهان در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ را بررسی کرده‌اند. در بین مناطق جهان، تاثیر اینترنت بر دموکراسی و نگرش‌ها تنها در ارتباط با اروپای غربی با



میانگین ۱۵/۲۱ تایید شد (البته آمریکای شمالی مورد مطالعه قرار نگرفته بود)، نتیجه این رابطه برای آمریکای لاتین ۱/۷۸، آسیا ۱/۰۱ و آفریقا در حد کمی بالاتر از نیم درصد بود که بسیار ناچیز بود اما در ارتباط با خاورمیانه نه تنها تایید نشد، بلکه به صورت منفی در حد ۴/۲۵- نشان داده شد. (Best& Wade, 2009) در مجموع، در بین مناطق یاد شده منطقه خاورمیانه، بدترین وضعیت را داشته است.

اما از سال ۲۰۰۷ به این سو، میزان استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، تلفن‌های همراه و تلویزیون‌های ماهواره‌ای به‌ویژه الجزیره، به شدت افزایش می‌یابد که به تبع آن می‌توان گفت که نوعی انقلاب خاموش فکری-نگرشی در منطقه در جوانان شهری و تحصیلکردگان دانشگاهی و نیز دبیرستانی نضج یافته و تکامل می‌یابد. در دهه اخیر، نوعی حوزه عمومی سایبری شکل گرفته است که در تغییر نگرشی، تجهیز شناختی و بسیج سیاسی جوانان شهری و تحصیلکردگان عرب بسیار موثر بوده است. در جهان عرب، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی از ظرفیت و پتانسیل بالا برای ایجاد و گسترش عرصه عمومی جدید برخوردار بوده‌اند که عمدتاً تحت سلطه وبلاگ‌نویسان جوان و تحصیلکرده شهری و دانشگاهی بوده‌اند.

در یک دهه اخیر، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، مهم‌ترین منبع خبری و تجهیز شناختی - نگرشی جوانان در منطقه بوده است، در این ارتباط می‌توان به نتیجه مطالعه پیمایشی الکترونیکی مدرسه عالی محمد بن راشد^۱ در ارتباط با ۳۰۰۰ پرسش شونده جوان و بزرگسال ۱۵ تا ۳۴ سال در مارچ و آوریل



۱- Mohammed Bin Rashid School of Government.

اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در... ۱۷

۲۰۱۴ اشاره کرد. در این بررسی، کشورهای مورد مطالعه عبارت بودند از: الجزایر، بحرین، مصر، عراق، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، عمان، فلسطین، قطر، عربستان، سودان، سوریه، تونس، امارات متحده عربی و یمن. مهم‌ترین منابع کسب اخبار و اطلاعات جوانان عرب به ترتیب عبارت بودند از: اینترنت ۳۴ درصد، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی ۲۸ درصد، رسانه‌ها و نشریات کلاسیک ۳۰ درصد و منابع شفاهی کمتر از ۶ درصد. با ترکیب منابع خبری اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی (بیش از ۶۰ درصد)، در می‌یابیم که اینترنت مهم‌ترین منبع خبری و تجهیز شناختی مخاطبان عرب در سال‌های اخیر بوده است. بیش از ۹۰ درصد جوانان و بزرگسالان از فیس‌بوک به‌عنوان بهترین و مطلوب‌ترین شبکه اجتماعی مورد استفاده یاد کرده‌اند. از حیث محتوا و انگیزه استفاده، نتیجه این مطالعه عبارت بود از: کسب اخبار و اطلاعات گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ۲۷ درصد، ارتباط با دوستان و خانواده نزدیک به ۲۷ درصد، یافتن شغل و مشاوره ۱۴ درصد، سرگرمی در حد ۹ درصد و تبادل عقاید و باورها در حد ۵ درصد (Arab Social Media Report, 2014).

اسمیت و وینکینگ دایاز بر این باورند که در یک دهه اخیر، اینترنت عامل مهم در حیات سیاسی و اجتماعی خاورمیانه و به نوبه خود، مشوق تعداد قابل توجهی از جوانان و زنان به برقراری ارتباط آزاد، دسترسی سریع به اطلاعات و تبادل عقاید و باورها بوده است. این دو پژوهشگر با نظرخواهی از ۲۲۵ دانشجوی دانشگاه‌های خصوصی در خاورمیانه در سال ۲۰۰۶ به این نتیجه می‌رسند که فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، توانایی‌ها و قابلیت‌های شناختی، مهارتی، ارتباطی و استقلال‌نگرشی و آگاهی دانشجویان در خاورمیانه را افزایش داده‌اند. از دید دانشجویان، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای



تعامل و ارتباط اجتماعی، گفت‌وگو در اتاق‌های گفت‌وگو و تبادل عقاید و باورها موثر بوده است. جوانان مورد مطالعه بر این باور بودند که اینترنت به‌عنوان مهم‌ترین و فراگیرترین روش بدیل برای بیان و انتقال اخبار و اطلاعات و تبادل عقاید در جهان عرب بوده است (Hashem, 2009).

یکی از منابع معتبر در خصوص تأثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جهان عرب، «گزارش شبکه‌های اجتماعی جهان عرب^۱» است که توسط «مؤسسه گزارش رسانه‌ای دبی^۲» انجام می‌شود. این موسسه در جدیدترین گزارش ادواراری خود، نتایج بررسی پیمایشی منطقه‌ای خود در مارس و می ۲۰۱۲ در ارتباط با تأثیر شبکه‌های اجتماعی و اینترنت بر نگرش‌ها و فرهنگ سیاسی در هشت کشور جهان عرب: بحرین، مصر، اردن، کویت، لبنان، عمان، عربستان و امارات متحده عربی را منتشر ساخته است. در این نظرسنجی، سنجه یا سوالات مهمی طرح شده‌اند که در ذیل طرح می‌شوند.

یکی از سوالات میزان احساس توانمندی و قدرتمندی فرد جهت تأثیرگذاری بر تصمیمات حکومت به‌خاطر استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بود؛ درصد بالایی از پاسخگویان به این سوال پاسخ مثبت داده بودند: عربستان ۳۲ درصد، امارات متحده ۳۳ درصد، اردن ۴۲ درصد، بحرین ۴۳ درصد، لبنان ۴۶ درصد، عمان ۴۶ درصد و کویت ۵۱ درصد. در مجموع تأثیرات اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر تمام مؤلفه‌های نگرشی، فکری و فرهنگ سیاسی جوانان و تحصیلکرده‌های دانشگاهی و مؤسسات آموزشی، بین ۳۰ تا ۵۰ درصد نشان می‌دهد.

۱. The Arab Social Media Report.

۲. Dubai School of Media Report.

جدول ۲. تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی در جهان عرب در سال ۲۰۱۲ (به درصد)

کشورها	احساس توانمندی و اثربخشی	روامداری	احساس تعلق و تعهد به جامعه	پایبندی به هویت ملی	احساس شهروندی جهانی	هویت منطقه‌ای	هویت مذهبی
عربستان	۳۲	۴۷	۹۲	۷۸	۷۲	۷۵	۷۱
امارات	۳۳	۴۷	۸۳	۷۳	۶۹	۶۶	۵۹
اردن	۴۲	۵۹	-	۸۰	۸۰	۸۰	۷۶
بحرین	۴۳	۶۵	-	۸۳	۷۷	۷۵	۷۳
لبنان	۴۶	۴۹	-	۶۶	۷۸	۶۰	۴۱
مصر	۴۶	۵۸	۸۵	۸۵	۷۹	۷۸	۷۴
عمان	۴۶	۵۸	-	۷۸	۷۷	۷۶	۶۷
کویت	۵۱	۵۲	-	۸۰	۷۷	۷۷	۷۵

بر اساس نتایج جدول فوق باید گفت که میزان تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر مؤلفه‌های تشکیل دهنده فرهنگ سیاسی اعم از باورها، نگرش‌ها و افکار کاربران (که ۷۰ درصد آنان جوانان و تحصیلکرده‌ها بوده‌اند) در حد بالایی بوده است که این مؤلفه‌ها عبارتند از: میزان تساهل و رواداری نسبت به مخالف، احساس توانمندی و اثربخشی به‌عنوان شهروند بر حکومت و تصمیمات آن و الزام حکومت به مشارکت دادن افراد و شهروندان در تصمیمات و مشارکت سیاسی، احساس تعهد و تعلق به جامعه ملی و مسائل آن، میزان تعلق و باور به سطوح گوناگون هویت و ارتباطات اعم از مذهبی، ملی، منطقه‌ای و تلقی از خود به‌عنوان شهروند جهانی (Dubai School of Social Media Report, 2011, 30).

الکندری و حسن در یک کار پیمایشی مشترک بر روی ۴۴۵ دانشجوی مصری و کویتی، تأثیر اینترنت بر نگرش‌های سیاسی دانشجویان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این مطالعه، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان کویتی و مصری با رقم ۰/۱۴۶ در سطح بسیار بالا، معنی‌دار نشان داده شده و تأیید شد، همین‌طور تأثیر وبلاگ‌ها بر مشارکت سیاسی با رقم ۰/۱۷۱ تأیید شد. تأثیر اینترنت و نه شبکه‌های اجتماعی برای کسب اطلاعات و باورها و نگرش‌ها با رقم ۱/۶۲ معنی‌دار و تأیید شد. گرچه تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی، تأیید می‌شود اما در حد و اندازه باورها و نگرش‌ها نشان داده نمی‌شود. مهم‌ترین مصادیق تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی عبارت از تبادل اطلاعات و هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها و اظهار نظر دو سویه بودند (Al.Kandari & Hasanen, 2012, 252).

عیسی النشمی در پایان‌نامه خود با عنوان «بحث و گفت‌وگوهای سیاسی در



اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در... ۲۱

جهان عرب: کویت، عربستان سعودی، اردن و مصر»، تریبون‌های برخط سیاسی و اجتماعی این کشورها را از زاویه‌های خط‌مشی سیاسی - فکری و نیز تاثیرات آن بر افکار و باورهای مخاطبان بررسی کرده است. داده‌های کمی این تحقیق نشان می‌دهد که کاربران تریبون‌های اینترنتی، خواستار اصلاحات سیاسی و پرهیز از خشونت، حقوق شهروندی، انتخابات منصفانه و گردش قدرت بودند، این کاربران عمدتاً متشکل از جوانان و تحصیلکرده‌های دانشگاهی و اعضای متعلق به طبقه متوسط جدید بودند. با وجود محدودیت‌های سیاسی، در تریبون‌های برخط، افکار و باورهای سیاسی زیادی انتقال داده می‌شوند که به‌نوبه خود بر تغییر و تحول نگرشی و فرهنگ سیاسی کاربران جوان تاثیر می‌گذارد (Nashmi, 2007, 13). در بین کشورهای منطقه، کویت دارای بیشترین نمره یا رتبه در محتوای سیاسی (بیش از ۵۰ درصد) و سپس عربستان با اختصاص یک سوم مطالب تریبون‌ها به محتوای سیاسی قرار می‌گیرند (Nashmi, 2007, 45).

حسن عابد از پژوهشگران عرب در سال ۲۰۰۵، تاثیر اینترنت بر فرهنگ سیاسی دانشجویان روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای در کشور اردن را بررسی است. از دید وی، فرهنگ سیاسی، شاخص مهم برای توسعه فرهنگی و سیاسی، بلوغ و رشد سیاسی و مشارکت سیاسی یک ملت است. افزایش دسترسی به اینترنت و تلویزیون‌های ماهواره‌ای بر رشد و تحول فرهنگ سیاسی در جوانان و تحصیلکردگان شهری عرب تاثیر شگرفی داشته است. نتیجه این مطالعه حاکی از آن است که اینترنت با میانگین بسیار بالای ۳/۹۲ به‌مثابه منبع مهم برای کسب اخبار و شکل‌دهی به نگرش‌ها و باورهای سیاسی و نیز مشوق مشارکت سیاسی در میان دانشجویان اردنی در دهه اخیر بوده است. ۹۸ درصد



دانشجویان مورد مطالعه کاربر اینترنت بوده‌اند. البته دانشجویان اردنی عمدتاً متمایل به دموکراسی وضعیت‌مند و سازگار با اسلام و نگرش‌های سیاسی اسلامی و کمتر سکولار هستند و با این پشتوانه عمدتاً متمایل به پیوستن و حمایت از جنبش‌های اسلام‌گرای میانه‌رو هستند تا جنبش‌های سکولار چپ‌گرا و لیبرال (Abed, 2005, 134-135).

نتیجه تحقیق میخائیل هافمن و امانی جمال نیز نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد جوانان عرب، هنوز تمایلات مذهبی خود را حفظ کرده و قائل به دموکراسی وضعیت‌مند و سازگار با اسلام و دوری از سکولاریسم هستند و کمتر از ۴۰ درصد جوانان، دارای تمایلات دموکراتیک سکولار و غیر مذهبی هستند. بنابراین تمایلات و نگرش‌های دموکراتیک در بین جوانان و تحصیل‌کردگان دبیرستانی و دانشگاهی و شهری در جهان عرب رو به گسترش هستند اما عمدتاً در شکل سازگار با مذهب و غیر سکولار هستند. نتیجه تحقیق آن دو نشان می‌دهد که با وجود کاهش نسبی در سطح مذهبی بودن، اما مذهب هنوز به‌عنوان منبع مهم هویت سیاسی، جایگاه و اهمیت خود را حفظ کرده است لذا بخش عمده جوانان هنوز متمایل به دخالت دین در سیاست هستند (Hoffman & Jamal, 2012, 175-176).

رندل کوهن در تز دکتری خود با عنوان «نقش توسعه انسانی در بهار عربی»، تاثیر شاخص‌هایی هم‌چون سواد و تحصیلات و مصرف رسانه‌ای را بر توانمندی و بسیج سیاسی افراد و اعتراضات سیاسی را بررسی کرده است. در این مطالعه، ۱۷ کشور عربی را با چندین کشور از آمریکای لاتین و کارائیب، آسیا و اقیانوسیه و آفریقا به روش مقایسه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، البته در بین کشورهای عربی، تمرکز بر مصر بوده است. در بین



اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در... ۲۳

مناطق در حال توسعه، خاورمیانه عربی در رتبه دوم پس از آسیا - اقیانوسیه قرار می‌گیرد. نتیجه مطالعه وی در مورد مصر حاکی از تایید تاثیر سطح و تعداد سال‌های مدرسه و دانشگاه رفتن بر سطح آگاهی و توانمندی شناختی سیاسی - اجتماعی افراد است. افراد با تحصیلات دانشگاهی، بیشتر از دیگران از اینترنت استفاده کرده‌اند و افراد تحصیلکرده دانشگاهی و دبیرستانی، بیشتر از سایرین با دوستان، فعالان و خانواده تمایل به صحبت و گفت‌وگو در ارتباط با مسائل سیاسی نشان داده‌اند. مشارکت جدی جوانان در بهار عربی، تایید کننده این یافته است. گرچه دولت‌های عربی در تعدادی از شاخص‌های توسعه انسانی یاد شده از رشد خوبی برخوردار بوده‌اند، اما مردم دارای نارضایتی‌های اقتصادی زیادی هستند. ترکیبی از نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی و انتظارات فزآینده جوانان برخوردار از دگردیسی فرهنگی، ارزشی و فکری، بسترساز مشارکت آنان در بهار عربی شدند (Kuhn, 2011, 7-10).

ه) انقلاب خاموش به مثابه بسترساز مهم برای بهار عربی

از اواخر دهه ۱۹۹۰ به‌ویژه از سال ۲۰۰۰ به این‌سو، انقلاب خاموش در جهان عرب در عرصه فکری - نگرشی و فرهنگ سیاسی منجر به گرایش فزآینده جوانان شهری و تحصیلکرده به مخالفت و اعتراضات سایبری شد. اصطلاح «مخالفت سایبری»^۱ در اشاره به بیان و بسیج نارضایتی‌ها و اعتراضات سیاسی - اجتماعی، نقد حکومت و سازمان دادن به فعالیت‌ها و مخالفت‌های سیاسی از طریق استفاده از فرصت‌های بی‌نظیر فناوری‌های نوین ارتباطی به کار برده شده است (Daud, 2011, 3).



در ارتباط با نقش فناوری‌های نوین ارتباطی، دو دیدگاه متعارض وجود دارد. برخی با تعیین‌گرایی یا جبرگرایی تکنولوژیکی بر این باورند که بدون وجود این فناوری‌ها، بهار عربی رخ نمی‌داد؛ اما در جهت دیگر، تعداد قابل توجهی از پژوهشگران بر این باورند که بهار عربی ریشه در ناراضی‌های ژرف سیاسی و اقتصادی دارد؛ زیرا که حکومت‌های ورشکسته و سرکوبگر سیاسی ناتوان از ایجاد امید واقعی در جوانان برای آینده بودند (Lamer, 2013, 1). تعدادی از پژوهشگران بر این باورند که در ارتباط با نقش فناوری‌های ارتباطی در بهار عربی، اغراق شده، لذا نایستی پیشینه اعتراضات در گذشته و نقش بسترهای اجتماعی و اقتصادی نادیده گرفته شده یا ناچیز شمرده شوند (Comminos, 2011, 7).

گرچه نقش فناوری‌های نوین ارتباطی در تحول فکری-نگرشی و بسیج اعتراضات و سرعت بخشیدن به بسیج انقلابی از سال ۲۰۱۰ به این‌سو، انکارناپذیر است اما چنین نقش‌آفرینی در خلا و بدون توجه به ناراضی‌های سیاسی و اجتماعی ریشه‌دار و پیشینه یا تجربه‌های مستمر مبارزات و اعتراضات سیاسی صورت نگرفت. در واقع، نقش این فناوری‌ها نه از جنس ایجادکنندگی بلکه از جنس فرصت‌سازی و سرعت‌بخشی به شعله‌ور شدن ناراضی‌های ریشه‌داری بود که در ادامه یا دنباله حرکت‌های اعتراضی در سه دهه اخیر اما با گستردگی و فراگیری بیشتر از گذشته روی دادند. در همین ارتباط، شایان ذکر است که در کشوری هم‌چون امارات متحده که اکنون درصد کاربران آن به بیش از ۹۰ درصد می‌رسد، بهار عربی سرایت نکرد. در امارات متحده، عمان و کویت، به‌جز چند حرکت اعتراضی محدود، اعتراض دیگری رخ نداد (Katja, 2012, 2-3). قریب به اتفاق تحلیلگران و پژوهشگران بر این باورند



اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در... ۲۵

که فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، نقش بسیار قابل توجه و شتابزا در انقلاب خاموش فکری و نگرشی جوانان و تحصیلکردگان و شروع و استمرار اعتراضات سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در بستر نارضایتی‌های ریشه‌دار اقتصادی و سیاسی در دهه اخیر داشته‌اند.

با گسترش دسترسی و استفاده مردم و جوانان عرب از فناوری‌های ارتباطی و ماهواره‌ای، ماهیت ارتباط بین دولت و جامعه از حالت یک‌سویه و اقتدارگرایانه به سمت تقویت جامعه، تضعیف تدریجی حکومت و تضعیف کنترل آنها بر جریان اطلاعات سوق یافت. در سال ۲۰۱۵، ۱۰۰ میلیون کاربر اینترنتی در جهان عرب ثبت شده است که از این میان، ۲۲ درصد از کاربران، کاربری خود را از سال ۲۰۱۳ شروع کرده بودند (Lamer, 2013, 2-5). اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، موبایل و تلویزیون‌های ماهواره‌ای منجر به شکستن انسداد اطلاعاتی یا دیوار آهنین اطلاعاتی در جوامع عربی شده‌اند. در این بین، نباید نقش شبکه ماهواره‌ای الجزیره در شکستن انحصار اطلاعاتی حکومت‌های عرب و بی اعتبارسازی تلویزیون‌های دولتی نادیده گرفته شود. اکنون، فناوری‌های ارتباطی جدید به منبع بسیار مهم برای ایجاد چالش‌های تکنولوژیکی و به تبع آن، چالش‌های نسلی، فکری - نگرشی و بسیج‌گری در جهان عرب تبدیل شده‌اند. البته از زاویه دیگر، نایستی از نظر دور نگه داشت که این فناوری‌ها، منبع و ابزار مهمی برای حکومت در جهت کنترل بر شهروندان بوده‌اند (Mark & Kenneth, 2012, 344).

شواهد نشان می‌دهند که این فناوری‌ها در آینده نه‌چندان دور، عرصه را بر حکومت‌ها تنگ‌تر خواهند کرد. در دهه اخیر، فناوری‌های نوین ارتباطی از طریق قابلیت‌های ارتباطی و گفت‌وگویی دوسویه و تصویری-شنیداری،



فرصت‌های جدی برای تبادل عقاید و افکار در سطوح ملی و منطقه‌ای در بین کاربران عمدتاً جوان عرب و نیز در سطوح جهانی با گروه‌ها و افراد هم‌فکر عرب و غیر عرب فراهم کرده‌اند. این تبادل عقاید و شکسته شدن انحصار اطلاعاتی با انتشار اخبار و افشاگری‌های بدون سانسور منجر به انقلاب خاموش فکری و نگرشی در جوانان و بزرگسالان عرب شده است (Savir, 2015, 2).

در دسترس بودگی اطلاعات بدون سانسور و انتشار سریع و آنی جدیدترین و داغ‌ترین اطلاعات سیاسی افشاگرانه سبب شده‌اند که جوانان از انفعال سیاسی خارج شده و به پشتوانه دگردیسی فکری - نگرشی یا فرهنگ سیاسی و آگاهی سیاسی به سمت رفتارهای اعتراضی در محیط سایبری و غیر سایبری کشیده شوند (Ege & Nohra, 2013, 369) برخی از پژوهشگران از نقش خیره‌کننده اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و تلویزیون الجزیره به‌مثابه «اثرات آبشاری» یاد کرده‌اند، زیرا نقش مهمی در استمرار اعتراضات تا پیروزی انقلاب با جلب پشتیبانی افکار عمومی داخلی، ملی و بین‌المللی ایفا کردند (Maameri & El.Zein, 2014, 498). تاثیر شگفت‌انگیز شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس و مصر باعث شد که ناظران از اصطلاح نخستین «انقلابات دیجیتال» در جهان عرب یاد کنند.

در بهار عربی، ارتباطات دوربرد از طریق تلفن‌های همراه و تلویزیون‌های ماهواره‌ای، نقش انکارناپذیر و مهم‌تری داشتند، از این جهت که با بسته شدن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی توسط حکومت‌ها، این دو فناوری به‌مثابه بدیل مهم در انتشار اطلاعات، فراخوان عمومی برای بسیج معترضان و جوانان، نقش خود را



اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در... ۲۷

ایفا کردند. از دید لمر، گرچه نقش اینترنت را در بهار عربی نباید نادیده گرفت، اما اغراق هم نباید کرد؛ زیرا اینترنت عمدتاً توسط نخبگان و فعالان استفاده شد. وی از شبکه ماهواره‌ای الجزیره به‌عنوان پرنفوذترین شبکه در بسیج اعتراضات در بهار عربی یاد کرده و نقش آن را می‌ستاید (Lamer, 2013, 14). پیامک‌های تلفنی در مصر و تونس از اهمیت و نقش بسیج‌گراانه بیشتری نسبت به اینترنت برخوردار بودند. از ۳۰ میلیون مصری که دسترسی به اینترنت داشتند، ۷۰ درصدشان تنها از طریق موبایل به اینترنت متصل می‌شدند. در تونس و مصر با انسداد اینترنت و شبکه‌های اجتماعی توسط حکومت، موبایل و تلویزیون ماهواره‌ای در استمرار اعتراضات، نقش‌آفرین شدند (Aman & Tayroe, 2013, 321-324). در لیبی نیز، جوانان و معترضان در واکنش به بسته شدن اینترنت در ژانویه ۲۰۱۱ از رسانه‌های جایگزین مانند تلفن همراه یا شبکه‌های اینترنتی متعلق به مخالفان و فعالان در خارج از کشور و وبلاگ‌ها برای انتشار اخبار و اطلاعات و فراخوان عمومی برای اغراض استفاده کردند (Aman & Tayroe, 2013, 329-330).

اما در این بین، جوانان شهری و تحصیلکرده دانشگاهی و دبیرستانی از بالاترین موضوعیت برای بررسی تاثیر فناوری‌های نوین ارتباطی در ساحت فکری - نگرشی و رفتار سیاسی و اعتراضی برخوردارند. البته وقتی از جوانان نام می‌بریم، نبایستی آنان را در ذیل مشارکت اعتراضات خیابانی و شهری، محدود کنیم؛ لذا ضرورت دارد که به نقش رهبری‌کننده جوانان در قالب‌های وبلاگ‌نویس، روزنامه‌نگار الکترونیکی، فعال سیاسی و مدنی و عضو فعال و راهبردی نهادهای مدنی مردم‌پنیاذ نیز اشاره شود. مطالعات نشان می‌دهند که اکثریت کاربران اینترنت در جهان عرب، جوانان هستند و متوسط سن کاربران، ۳۰ سال است. ۷۰ درصد کاربران اینترنت، جوانان دارای مدرک دانشگاهی و



دیرستانی هستند (Maurush & et.al, 2014, 680).

در جهان عرب، روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی و مدنی عمدتاً جوان و نهادهای مدنی مردم‌بنیاد از نخستین گروه‌هایی هستند که از اینترنت و فضای سایبری برای بیان اعتراضات، تبادل عقاید، برقراری ارتباطات و بسیج اعتراضات و افکار عمومی داخلی، منطقه‌ای و جهانی استفاده کردند. آنان از ظرفیت و فرصت‌های بی‌بدیل اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای اعتراض به ساخت سرکوبگر حکومت، نقض حقوق شهروندی، فساد فزاینده، وابستگی به غرب، سکولاریسم جهشی و دفاع از هویت بومی و اسلامی و نیز دموکراسی وضعیت‌مند استفاده کرده‌اند. در این ارتباط، بایستی به ایجاد نخستین وبسایت‌های اینترنتی توسط گروه‌های اسلام‌گرا و نیز وبسایت شبکه پرنفوذ ماهواره‌ای الجزیره در اواخر دهه ۱۹۹۰ با تمرکز بر اهداف و محتوای اعتراضی یاد شده و بسیج اعتراضات اشاره کرد (Hofheinz, 2005, 79-86).

در مصر، نخستین وبلاگ‌نویسان، جوانان وابسته به جنبش الکفایه بودند. این جنبش در سال ۲۰۰۴، نخستین وبسایت خود را ایجاد کرد که ابتدا با هدف انتخاباتی بود؛ اما با تقلب‌های شدید انتخاباتی حکومت، به تدریج به سمت بسیج اعتراضات مردمی و جوانان سوق یافت. اما در این بین، وبسایت جنبش جوانان ۶ آوریل و گروه «ما همه خالد سعید هستیم» که در سال ۲۰۰۸ تأسیس شد، از مهم‌ترین وبسایت‌های جوانان بود که ایجاد شدند و در دو ساحت فکری - نگرشی و اشاعه اطلاعات و بسیج کنش‌های اعتراضی به فعالیت پرداختند. تجربه اعتراضی این گروه‌های سایبری جوانان و نیز وبسایت‌های وابسته به اخوان المسلمین از سال ۲۰۰۵ به این سو، در نهایت به سقوط حکومت مبارک انجامید (Aman & Tayroe, 2013, 326). در مصر، تعداد



اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در... ۲۹

ویدئوهای بارگذاری شده توسط جنبش جوانان ۶ آوریل در ارتباط با سرکوب اعتراضات در جریان انقلاب، بیشتر از گروه‌های دیگر بود؛ تعداد این ویدئوها در ارتباط با سرکوب انقلابیون قاهره ۸۶، منصوره ۳۴، الاسکندریه ۱۹، سوئز ۱۷ و دمیتیه ۱۲ مورد بود (Maurush & et.al, 2014, 682).

«آسیه داد» در تز دکتری خود با عنوان «مخالفت سایبری در خاورمیانه»، مخالفت‌های سایبری در منطقه را مورد مطالعه قرار داده است. مهم‌ترین یافته‌های وی در این تحقیق آن است که سطح بالای سانسور رسانه‌ای - مطبوعاتی در جهان عرب به صورت قابل توجه و معنی‌داری بر جهت‌گیری مردم و فعالان سیاسی و مطبوعاتی به بیان نارضایتی و مخالفت سیاسی در فضای سایبری تاثیرگذار بوده است. سطح بالای سرکوب، فساد، سوءاستفاده از قدرت سیاسی و حکومتی، شکنجه و خشونت پلیس و بی‌توجهی به خواسته‌ها و مطالبات مردم از مهم‌ترین نارضایتی‌های سیاسی بیان شده در فضای سایبری در خاورمیانه و شمال آفریقا در دو دهه اخیر بوده است (Daud, 2011, 133-134). در این بین، جوانان به مراتب بیشتر از سایرین در مخالفت سایبری - اینترنتی، حضور فعالانه داشتند که اوج آن، مشارکت فراگیر جوانان در بهار عربی بود؛ این نقش‌آفرینی در بستر انقلاب خاموش فکری و نگرشی انجام شد که از سال ۲۰۰۰ به این سو فراهم شده بود (Dantu & Maasoglu, 2013, 679).

در این بین، حضور جوانان مصر در فضای سایبری، به مراتب برجسته‌تر از سایر کشورهای عربی بود. «جنبش جوانان ۶ آوریل» نخستین گروه از جوانان بود که در سال ۲۰۰۸ از اینترنت برای بسیج اعتراضات استفاده کرد؛ این جنبش در شهر دلتای نیل در محله الکبری، فعالیت اعتراضی خود را با فراخوان اینترنتی برای اعتصاب کارگران منسوجات شروع کرد. این تجربه اعتراضی سایبری به الگویی



برای حرکت‌های بعدی گروه‌های سیاسی در مصر و منطقه مبدل شد. این جنبش توسط نسل جدید جوانان تحصیلکرده دانشگاهی شکل گرفت که اعضای آن عمدتاً از فعالان وابسته به طبقه متوسط جدید و اعضای سابق جنبش موسوم به «الکفایه» بودند. گفته می‌شود الگوی این گروه در مبارزه سایبری، «جنبش اپتر صربستان»^۱ بود که از راهبرد مقاومت مسالمت‌آمیز آن جنبش برای بسیج اعتراضات از طریق سایبری استفاده کردند (El. Difrauj, 2012, 11).

اما در بین گروه‌های جوان در عرصه سایبری، گروه «ما همه خالد سعید هستیم»، بسیار برجسته‌تر بود که بلافاصله پس از قتل وحشیانه خالد سعید توسط پلیس مصر در سال ۲۰۱۰ شکل گرفت و از نام خالد سعید به صورت نمادین برای اعتراض به حاکمیت خودکامه مبارک استفاده کرد. اعضای این گروه، عمدتاً از جوانان تحصیلکرده مصر تشکیل شد. این گروه پس از موضوع خالد سعید، موضوع تقلب گسترده حکومت مبارک در انتخابات پارلمانی مصر در سال ۲۰۱۰ را به عرصه مخالفت و اعتراض سایبری کشاند و در نهایت، برجسته‌ترین و گسترده‌ترین کنش اعتراضی سایبری و غیر سایبری این گروه در سال ۲۰۱۱ روی داد. در سال ۲۰۱۱ به دنبال انتشار اخبار و تصاویر انقلابیون و جوانان تونسی، ائتلاف کنش‌گران سایبری متشکل از جوانان و تحصیلکرده دانشگاهی و شهری، شکل گرفت که سرانجام به بسیج گسترده و خود انگیخته جوانان و مردم در مصر منجر گردید؛ در نهایت نیز به سقوط حکومت مبارک انجامید (El. Difrauj, 2012, 11-12).

۱. Serbian Opter Movement

مطالعات انجام شده بر روی افکار عمومی مصر نشان می‌دهد که از زمان شروع تحولات در منطقه، حدود ۳۱ درصد مردم این کشور از فیس‌بوک برای کسب آگاهی و اطلاعات سیاسی استفاده می‌کردند. هم‌چنین ۲۲ درصد مردم مصر به‌ویژه جوانان از این شبکه‌ها برای سازمان‌دهی اعتراضات و فعالیت‌های انقلابی استفاده کردند. اهمیت نقش‌آفرینی این شبکه‌ها در بروز تحولات سال ۲۰۱۱ به اندازه‌ای بود که می‌توان به پیشنهاد ۱۵۰ میلیارد دلاری پادشاه عربستان برای خرید کامل شبکه اجتماعی فیس‌بوک برای مخدوش‌سازی موج رسان‌های خیزش‌های عربی و عدم اشاعه این خیزش‌ها به کشور عربستان اشاره کرد (Arab Social media report, 2011, 6-9).

نتیجه تحقیق میخائیل هافمن و امانی جمال با کمی تفاوت نسبت به تحقیق‌های دیگر، نشان می‌دهد که گروه‌های جوان‌تر در سنین ۱۸ تا ۲۴ سال بیشتر از گروه‌های سنی بزرگ‌تر در اعتراضات سیاسی در بهار عربی، فعال‌تر بودند. در این ارتباط، متغیرهای مهمی مانند جوانی جمعیت، استفاده بالای آنان از اینترنت و تلویزیون‌های ماهواره‌ای و تحصیلات دانشگاهی دارای بیشترین تاثیر بودند. علاوه بر متغیرهای یاد شده، متغیر ارتباط بالای جوان‌ترها با جامعه بین‌المللی به‌ویژه جوانان عرب در منطقه و جهان، فرصت‌های اینترنتی برای بسیج شهروندی و اثرات نمایشی و اشاعه‌ای دموکراسی خواهی در جهان نیز تاثیرگذار بوده‌اند. از دید وی، بهتر است که بهار عربی یک پدیده عمدتاً معطوف به جوانان عرب تلقی شود. (Hoffman & Jamal, 2012, 176-182).

یکی از بارزترین مصداق‌های کاربست اینترنت در بسیج و اعتراض سیاسی، مبارزات سیاسی جوانان فلسطینی از طریق فضای سایبری پس از شروع انتفاضه دوم از سال ۲۰۰۰ به این سو است. بسته بودن مراکز آموزشی در سرزمین



جنگ‌زده فلسطین سبب شده که به‌ناچار، آموزش به روش‌های مجازی انجام شود، چنین بستری سبب شده است که جوانان فلسطینی علاوه بر اهداف آموزشی، از اینترنت برای فعالیت‌های سیاسی و مبارزه استفاده کنند. نتیجه تحقیق مکرام خوری نشان می‌دهد که اینترنت منجر به شکل‌گیری و تقویت فرهنگ سیاسی مقاومتی در بین جوانان دانشگاهی فلسطینی و بسیج افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی به‌نفع جنبش مقاومت شده است. اکنون اینترنت به جبهه مقدم و گسترده برای مقاومت مسالمت‌آمیز و یکی از محوری‌ترین ابزارها و عناصر در زندگی روزمره و حیات سیاسی و اجتماعی فلسطین به‌ویژه در میان جوانان تبدیل شده است. از دید وی، بدون استثنا، اینترنت در تغییر و تحول فرهنگی و سیاسی نقش شگرفی داشته و باعث ژرف‌تر شدن جنبش مقاومت در میان جوانان دانش‌آموز و دانشگاهی شده است (Khoury M., 2007, 17-19). مهم‌ترین کاربست‌های سیاسی اینترنت برای جوانان دبیرستانی و دانشگاهی فلسطینی در راستای تقویت فرهنگ سیاسی مقاومت عبارت بوده‌اند از: فراخوان گسترده ایمیلی برای راهپیمایی و بیان اعتراضات و جلب حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی، انتشار روزنامه‌ها و نشریات الکترونیکی با محتوای سیاسی، انتشار و جمع‌آوری امضا برای شکوائیه‌ها، انتشار روزانه گزارش‌های تصویری و نوشتاری از قیام مردم و جوانان فلسطینی و مواردی از این دست. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که بیش از ۵۵ درصد از کاربست اینترنت، ارسال ایمیل عمدتاً با محتوای سیاسی، ۴۲ درصد برای گفت‌وگو و مشارکت در تریبون‌های سیاسی و بیش از ۴۰ درصد با اهداف علمی و آموزشی بوده است. (Khoury M, 2007, 26-27)

تیلور دوی و همکارانش موضوع شرکت در اعتراض را با دو متغیر عضویت در جامعه مدنی و استفاده از اینترنت، مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ نتیجه این



اینترنت و انقلاب خاموش جوانان در... ۳۳

مطالعه حاکی از تاثیر قابل توجه اینترنت و ظرفیت‌های آن برای مشارکت در اعتراض و بسیج سیاسی است، البته بیشترین تاثیر در مورد جوانان فلسطین و کویت بوده است (Dewey& et.al, 2012, 36-37)

جدول ۴. تاثیر عضویت در نهادهای مدنی و استفاده از اینترنت بر شرکت افراد در اعتراضات

	اردن	فلسطین	الجزایر	کویت	یمن
جامعه مدنی					
خیر	۰۹٪	۲۸٪	۱۳٪	۳۳٪	۳۱٪
بله	۲۵٪	۵۵٪	۳۳٪	۴۵٪	۳۶٪
اینترنت					
خیر	۰۸٪	۲۷٪	۱۲٪	۲۷٪	۲۷٪
بله	۲۶٪	۴۹٪	۳۱٪	۵۷٪	۴۷٪

جدول فوق نشان می‌دهد که به ترتیب در فلسطین، کویت یمن و الجزایر بین دو متغیر عضویت در جامعه مدنی و شرکت در اعتراض رابطه نسبتاً قوی بوده است؛ به این معنی که افرادی که عضویت در نهادهای مدنی داشته‌اند بیشتر از فاقدان عضویت، در فعالیت‌های اعتراض شرکت داشته‌اند. همین‌طور، نتایج جدول فوق نشان می‌دهد به ترتیب در کشورهای کویت، فلسطین، یمن و الجزایر، کاربران اینترنت بیشتر از غیر کاربران در فعالیت‌های اعتراض شرکت داشته‌اند. برای مثال در کویت ۵۷ درصد از شرکت‌کنندگان در اعتراض‌ها از بین کاربران اینترنتی بوده و ۲۷ درصد از شرکت‌کنندگان در اعتراضات، کاربر اینترنتی نبوده‌اند. در غالب کشورها، استفاده از اینترنت میزان شرکت در اعتراض را تا حدود دو برابر و در کویت تا حد سه برابر افزایش داده است. در



۳۴ فصلنامه دولت پژوهی

مصر و تونس، فیس‌بوک در سازماندهی به اعتراضات و انتشار اخبار و اطلاعات نقش موثری ایفا کرد (ر.ک جدول زیر)

جدول ۵. نوع استفاده کاربران فیس‌بوک در جنبش اجتماعی سال ۲۰۱۱ (به درصد)

کشور	سازمان دادن به اعتراضات	اشاعه جهانی اطلاعات و اخبار جنبش	اشاعه داخلی اطلاعات و اخبار جنبش	سرگرمی	سایر
مصر	۲۹/۵۵	۲۴/۰۵	۳۰/۹۳	۱۲/۳۷	۳/۰۹
تونس	۲۲/۳۱	۳۳/۰۶	۳۱/۴۰	۱۰/۷۴	۲/۴۸

(Arab Social Media Report, 2011)

(و) نتیجه گیری

تا پیش از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی، در بیشتر کشورهای خاورمیانه به دلایلی هم چون ایستارها یا نگرش‌های سنتی و محافظه کارانه، ساختار متصلب قدرت سیاسی، ساختار اقتصادی رانتهی و نیمه‌رانتهی و شبکه‌های فاسد حمایتی، شاهد چالش‌های جدی برای اصلاحات سیاسی نبودند. از اواخر دهه ۱۹۹۰ به این سو، حکومت‌های خاورمیانه هم در ساحت فکری-نگرشی و هم در ساحت رفتاری و عملی با چالش‌های جدی مواجه شدند. در پاسخ به این چالش‌ها در تعدادی از کشورهای منطقه از جمله در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، گام‌های محدودی برای انجام اصلاحات سیاسی برداشته شد.

از نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ به این سو، به تاثیر از گسترش دسترسی و استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای، در کشورهای عربی نوعی انقلاب خاموش ارزشی و فکری - نگرشی در جوانان شهری و



تحصیلکرده‌های دانشگاهی شکل گرفت اما این تحول را نمی‌توان برای توده‌ها و اقشار بی‌سواد و کم‌سواد روستایی و شهری به کار برد. وقوع این انقلاب خاموش، باعث تشدید چالش‌های فکری و نگرشی از پیش موجود شد و به موازات آن، این انقلاب، بسترساز کنش‌های اعتراضی در تعدادی از کشورهای منطقه با نقش‌آفرینی فعالانه عمدتاً جوانان و تحصیلکرده‌های شهری شد که اوج آن، وقوع بهار عربی در جمهوری‌های اقتدارگرا بود. یافته کلی این تحقیق حاکی از تایید نظریه انقلاب خاموش ارزشی و نگرشی در اقشار تحصیلکرده و جوان در بخش عمده‌ای از جهان عرب است؛ اما هنوز زود است که این تایید را در ارتباط با کلیت اقشار و مردم عرب به کار برد، اما در آینده نه‌چندان دور با گسترش سطح نوسازی در ابعاد آموزشی و ارتباطی و رسانه‌ای به‌ویژه با گسترش دسترسی به اینترنت و ماهواره‌ها، این احتمال دور از دسترس نخواهد بود.

به دلایل یاد شده گرچه انقلاب خاموش جوانان در شیخ‌نشین‌های عربی خلیج فارس به جز بحرین به انقلاب نیانجامیده است، با این وجود بایستی گفت که در صورت عدم اهتمام حکومت‌ها به انجام اصلاحات واقعی سیاسی، در آینده با حرکت‌های اعتراضی جدی برای اصلاحات سیاسی مواجه خواهند شد. در حقیقت، در بستر دسترسی فزاینده به فناوری‌های نوین ارتباطی، در آینده انقلاب خاموش از ابعاد گسترده‌تری برخوردار خواهد شد و حکومت‌ها را برای انجام اصلاحات سیاسی با الزامات و تنگناهای بیشتری مواجه خواهد ساخت، در غیر این صورت، به ناگزیر با انقلاب جوانان مواجه شده و اهرم‌های پیشین و موجود قدرت سیاسی برای حفظ این حکومت‌ها کارساز نخواهند بود.



منابع

- اینکلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جوامع صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- اینکلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین. (۱۳۷۳). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه‌ی یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
- هانینگتون، سموئل. (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: نشر علم.
- Abed, Hasan A. (2005). "The Influence of Internet in the Political Culture", *Journal of Social Sciences*, 1(3), 128-135.
- Al. Kandari, Ali& Hasanen, Mohammed. (2012). "Impact of the Internet on Political Attitudes in Kuwait and Egypt", *Telematics and Informatics*, Vol.29.
- Aman, Mohammed& Jayroe, Tina. (2013). "ICTs, Social Media and Arab Transition to Democracy", *Digest of Middle East Studies*, 22(2).
- Best, Michael L& Wade, Keegan. (2009). "The Internet and Democracy, Global Catalyst or Democratic Dud?" *Bulletin of Science Technology & Society*, 29(4), 255-271.
- Comminos, Alex. (2011). "Twitter Revolution and Cyber Crackdowns, User Generated Content 7 Social Networking In the Arab Spring", *Associate for Progressive Communications*, June, No.20.
- Danju, Maasoglu. (2013). "From Authocracy to Democracy: the Impact of Social Media on the Transformation Process in North Africa & Middle East", *Procedia Social & Behavioral Sciences*, Vol.81, 678-681.
- Daud, Asia. (2011). *Cyber Dissent in the Middle East*", Ph.D Dissertation in Political Science, Carelemont Graduate University.
- Dubai School Media Report The Arab Social Media Report. (2012). "Social Media in Arab World and Government..." Vol.2, No.1.
- Ege, Ash& Nohra, Fouad. (2013). "Explaining the arab Revolution within the Context of Globalization in the Middle East.

- El.Difraouj, Asiem. (2012). "No Face book Revolution", in M. Assburg (ed), *Protest Revolut and Regime Change in Arab World*, Berlin, SWP Research Paper, February.
- Hashem, Mahboub E. (2009). "Impact and Implications of New Information Technology on Middle East Youth", *Global Media Journal*, Vol.8, Issue 14.
- Hoffman, Michael & Jamal, Aman. (2012). "The Youth and the Arab Spring", *Midde East Law & Governance*, Vol.4, 168-188.
- Hofheinz, Albrecht. (2005). "te Internet in the Arab World, Playground for Political Liberalization", *International Politics & Society*, 3(1), 78-96.
- Ingelhart,R. (1988). "The Renaissance of Political Culture" *American Political Science Review*, Vol. 82, No.4.
- Katja, Niethammer. (2012). "Calm & Squalls, the Small Monarchies in the Arab Spring", in M. Assburg (ed), *Protest Revolut and Regime Change in Arab World*, Berlin, SWP Research Paper, February.
- Khoury, Makram. (2007). "Palestinian Youth and Political Activism", *Policy Future in Education*, 5 (1), 17-36.
- Kinnimont, Jane. (2013). "to What Extent is Twitter Changing Gulf Societies?" www.chatmanhouse.org.
- Kuhn, Randall. (2011). *On the Role of Human Development in the Arab Spring*, Ph.D Thesis in International Studies, University of Denver.
- Lammer, Wiebake. (2013). *Twitter & Tyrant: New Media and its Effects on Sovereignty in the Middle East*, www.Arab Media Society Center.com.
- Maamari, Bassem & El.Zein, Hala. (2014). "the Impact of Social Media on the Political Interest of Youth in Lebanon at the Wake of Arab Spring", *Social Science Computer Review*, 32(4), 496-505.
- Mark, Wilson& Kenneth, Corcy. (2012). "The Role of ICTs in Arab Spring Movements", 26(3-4).
- Maurushat, Alana 7 et.al. (2014). "the Impact of Social Networks & Mobile Technologies on the Revolution in Arab World: Egypt & Tunisia", *Laws*, Vol.3.
- Mohammed Bin Rashid School of Government (2014). *The Arab Social Media Report*, www.The Arab Social Media Report.com.
- Mus, Anamarlja. (2006). "Was there Silent Revolution?" *Politicka Misao*, Vol.XIII, No.5, 121-146.



- Nashmi, Eisa. (2007). "Political Discussion in the Arab World, Kuwait..." M.A Thesis in Mass Communication, University of Florida.
- Savir, Uri. (2015). "the Middle East Internet Revolution", www.mlmi.com.

